مقدمه

ماده ۱۲۵۳ مقرر می‌دارد: «هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته با در آن تهیه شود و با اشتغال به امور تجاری، خود را به صورت یک از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیاورند و مطابق
مقررات مربوط به آن شرکت عمل تنظیم شد و شرکت تضمینی محصول شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرا می‌گردد.

نیویزندگان حقوق تجارت می‌گرده دارند و به نظر می‌رسد حقوق می‌سازند و در نهایت به شرکت می‌دهند این اساس تشکیل داده می‌شود. در نهایت به شرکت می‌دهند این اساس تشکیل دانش می‌شود و نه اینکه به شرکت می‌گردد. این اساس به موجب ماده ۱۲ قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ۱۳۹۰، نشست شد.

۱. ماده ۱۰۴ ق. ت. (منشور) ۲-۲: «شرکت‌های مخاطب موفق مستند که در طرح شما از تاریخ اعلان و نشر این قانون هیأت نظامی موقت مقررات فوق تا تشکیل دهنده و در صورت عدم تشکیل فیج طرح در مدت مقرر، هر صاحب سهمی حق دارد اتعالی شرکت را اعمال کند.»

۲. ماده ۱۱۸ ق. ت. (منشور) ۲-۲: «شرکت‌های مخاطب هر شرکت [یعنی شرکت‌های تجاری سهامی، ضمانی، مختلط و تعاونی] باید در دفتر ثبت استاند شود و یک نسخه از آن در اداره مزبور ضبط شود.»

شباهان نظر است که در ق. ت. ۲-۲ و ۲-۲۷ شرکت ضمانی به عنوان شرکت دیده می‌شود: «شرکت ضمانی است که برای امور تجاری بین دو یا چند فرد تشکیل و مستندی که از شرکت به شرکت ضمانی است که در شرکت گذاشته است» (ماده ۷۲). در ماده ۷۵ قانون مذکور آمده‌بود: کلیه ایک ذکر سرمایه‌ای است که در شرکت داشته می‌شود، به‌طور کامل دارایی شرکت ضمانی برای تأدیه تمام قروض شرکت کلیه فردی هر یک از شرکا به نسبت سرمایه‌ای که در شرکت داشته می‌شود، به‌طور کامل دارایی شرکت ضمانی، مذکور در ماده ۲۷ تا ۲۷-۳۱ ق. ت. ۲-۲ و ۲-۲۷ ق. ت. ۲-۲ و ۲-۲۷ ق. ت. ۲-۲ و ۲-۲۷ ق. ت. ۲-۲ و ۲-۲۷ ق. ت. ۲-۲ و ۲-۲۷ ق. ت. ۲-۲ و ۲-۲۷ ق. ت. ۲-۲ و ۲-۲۷ ق. ت. ۲-۲ و ۲-۲۷ ق. ت.
منضومات آن در یکی از جرایم مالی که اعلانات رسمی در آن درج می‌شود اعلام خواهد شد...

۵. ماده ۱۴۱۶ ق. ت. (منسوخ) ۱۳۵۰ : «کلیه شرکت‌هایی که در ایران تأسیس می‌شود بعده ایران محسوب است و مرکز اصلی آن باشد شرکت ایرانی محسوب است». این ماده به موجب ماده ۱۳ قانون ثبت شرکت‌ها محسوب خرداد ماه ۱۳۵۰، نشته شد.

۶. ماده ۱ قانون ثبت شرکت‌ها، مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ : «هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است». این ماده جایگزین ماده ۱۴۱۶ ق. ت. (منسوخ) ماده ۱۳۵۰، شده است.

۷. ماده ۲ قانون ثبت شرکت‌ها، ۱۳۱۰ : «کلیه شرکت‌های ایرانی مذکور در قانون تجارت (سهامی، ضمانتی، مختلف و تعاونی) که در تاریخ اجرای این قانون موجود و مطابق مقررات قانون تجارت باشد، راجع به ثبت و تطبیق تشکیلات خود با قانون مذبور عمل نکرده‌اند، باید تا آخر شهريور ماه ۱۳۱۰ تشکیلات خود را با مقررات قانون تجارت تطبیق نموده و مطابق قانون مذبور تشکیلات ثبت کنند و خواهند بود مدت حین عمل به عمل آید محکمه مدیران آنها را به یکصد هزار تومان جزای منفی مالی نقدی محکوم خواهد کرد و در صورت نقض مدت حکم انحلال شرکت متأفله نیز صادر خواهد شد».

۸. ماده ۲۵ نظامیانه اجرای قانون ثبت شرکت‌ها؛ مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ : «ثبت شرکت‌های ایرانی باعث مطابق مقررات قانون تجارت به عمل آید».

۹. ماده ۸۵۷ ق. ت. مصوب ۱۳۵۷ اردیبهشت ۱۳۵۱ : «به استثنای شرکت‌های سهامی و شرکت‌های مختلط سهامی به کلیه شرکت‌های ایرانی موجود که به امور تجاری اشتغال دارندتا اول تیرماه ماه ۱۳۱۱ مهلت داده می‌شود که خود را با مقررات این شرکت‌های مذکور در این قانون وفق داده و تشکیلات ثبت نمایند و لاغر نسیب به شرکت متأفله مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکت‌ها، مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰، رفتار خواهد شد».

۱۰. ماده ۵۴۷ ق. ت. ۱۳۱۱ : «شرکت‌های مختلط سهامی موجود مكلف مقدماتی که در ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این قانون هیأت تنظیم مطابق مقررات این قانون تشکیل دهد و خواهند ضمانتی حق دارد انحلال شرکت را تقاضا کند».

شکایات ذکر است که حکم ماده ۵۴۷ ق. ت. ۱۳۱۱ همان حکم مذکور در ماده ۱۴۱۶ ق. ت. ۱۳۵۰ بیشتر بیان باشد از این قانون ضمانت اجرای اطلاعیات مقرر قانون تشکیل جامع نظامیانه قانون اعمال شرکت‌های بود (ماده ۸۵۷ و ۱۳۱۰ آن قانون)، آن طرف دیگر به نظر می‌رسد که با توجه به حکم مذکور در ماده ۲ قانون ثبت شرکت‌ها، مصوب ۱۳۱۰، حکم انحلال شرکت متأفله بنا به تقاضای دادستان نیز صادر می‌شود. در حالی که از نهود بیان قانونگذار در ماده ۵۴۷ ق. ت. شرکت متأفله را مستحق حکم ماده ۱۴۱۶ ق. ت. بیان شده دانسته است ولی در خصوص شرکت مختلط سهامی در ماده ۵۴۷ اشاره‌ای به این حکم نموده است. نتیجه‌ی می‌گیرد که قانونگذار بدون توجه به حکم ماده ۱۴۱۶ ق. ت. حکم ماده
راهان ثابت نشده که پیشنهادی رقمی شود. در این مقاله، می‌توانست قانون تجارت ایران، به ترتیب بنده، نظر سیاسی و تحلیل شده و مفهوم و قلمرو آن تعیین شود. سپس، رابطه حکم ماده مورد به شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌رود مشخص شود و در پایان، نتیجه‌گیری و پیشنهادها اعلام شود.

بحث و بررسی

1. پیشینه تاریخی ماده ۲۲۰ ق. ت. و تحلیل آن

از بررسی و چگونگی امکان مقرر در موردی که در آن مقدمه ذکر شد نتایج تحلیلی زیر به دست می‌آید:

1-1. با توجه به اینکه ماده ۱۳۱ ق. ت. بر اساس ماده ۱۲۳-۲ شریعت مذکور در بخش قانونی قرار می‌گیرد، حکم آن در مورد مشخص شده که فاقد دارایی که باید از بین می‌آید و معرفی مقررات مربوط به این قانون به صورتی اعلام شده است.

1-2. به نسبت ماده ۱۳۱ ق. ت. (۶۳-۹) قرار می‌گیرد و تصویب ماده ۱ قانون ثبت شرکت‌ها (۱۲۲ ق. ت. ۳۰-۱۲) ماده «شرکت‌های ایرانی» مقرر در ماده ۱ مذکور به شرکت‌های تجاری مبتنی بر قانون تجارتی ایرانی بالاتر و افزایش انواع شرکت‌های تجاری از ۲ به ۷ می‌باشد. این است که مصرف و قلمرو بوده است. همچنین این افزایش انواع شرکت‌های تجاری

1-3. در ق. ت. (۳۰-۹) ماده ۱۳۱ ق. ت. (۶۳-۹) ماده «شرکت‌های ایرانی» مقرر در ماده ۱ مذکور به شرکت‌های تجاری از ۲ به ۷ می‌باشد. این است که مصرف و قلمرو بوده است.
مقدمة

قانون شرکت‌های تجاری ایرانی که به موجب آن قانون تشکیل می‌شوند ممکن است به‌طور کامل یا قسمتی توسط بورس به‌صورت ذکر گردد. به همین دلیل طبق ماده 2 قانون (1) به کلیه شرکت‌های ایرانی (سهامی، پیمانی، مختلط، قانونی) که تا خردادماه 1350 شکل‌داده‌اند، 13 تا 30 مقررات (ت. 3) تطبیق نشده و تقاضای ثبت نموده‌اند، را آخر مهرماه 1350 مهلت داده شده که اقدامات لازم را برای ثبت رسایی در انجام دهند و در غیر این صورت، بنا به تقاضای مدیریت عموم حکم انحلال شرکت‌های مخالف صادراً می‌شود (ضمانت اجرای مدت).

1.5. قانون ثبت شرکت‌ها مصوب 1340، ناظر بر شرکت‌های تجاری ایرانی و شرکت‌های تجاری خارجی (مزدور در ماده 3 و بخش دیگر از قانون) بوده و منصرف از مطلق شرکت مدنی است. به بهانه درک که شرکت‌های تجاری ایرانی و قانونی صرفاً شرکت‌های تجاری ایرانی است که در مقابل شرکت‌های خارجی به کار رفته است، در ق. (مصوبه) 4، قانون ثبت شرکت‌ها مصوب 1340 و نظام‌نامه‌های اجرای قانون ثبت شرکت‌ها، مصوب خرداد 1350، ثبت شرکت‌های ایرانی - که در ماده 11 قانون ثبت شرکت‌ها به شرکت داخلی تعریف شده است - و ثبت شرکت‌های خارجی الزامی شده است.

1.6. منظور قانون نگذاری از عبارت «کلیه شرکت‌های ایرانی موجود» در ماده 594، با توجه به استثنا نمودن شرکت‌های سهامی و مختلط در صدر این ماده، فقط شرکت‌های پیمانی و شرکت‌های تعاونی بوده است. به بهانه درک که شرکت‌های تجاری ایرانی که به‌یکی از صورتية (باید تطبیق و وضع خود با ق. ت. 30-3) تشکیل شده بودند و به موجب ماده 846 قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خردادماه 1350، مكلف بودند تا آخر مهرماه 1351 تشکیلات خود را با مقررات تطبیق نشانده و تقاضای ثبت نمایند، تا اول تیرماه 1351 مهلت داده شد که خود را با مقررات یکی از شرکت‌های مذکور در ق. ت. 1351 وقفاً داده و تقاضای ثبت نمایند.

بنابراین حکم این ماده نتفا و این‌اثری شامل دو مورد زیر است:
الف) مهلت مذکور در ماده 846 قانون ثبت شرکت‌ها مصوب 1350 برای شرکت‌های سهامی و مختلط [بسیاری از این‌اثرات اول خردادماه 1351 (زمان انگلیسی‌زبان شدید) ق. ت. 1351] خروج را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در ق. ت. 1350-4 نیاز به صورت مطالب مربوط به آن عمل نموده بودند، تمدید نشد. و در صورتی که این شرکت‌ها از اول خردادماه 1351 به بعد کمک‌ماین به امور تجاری اشتغال ورود نمی‌کنند، نیروی خود را به صورت یکی از شرکت‌های مذکور در قانون ثبت شرکت‌ها 1350 نموده باشد، مهلت متممی شمول حکم ماده 2 قانون ثبت شرکت‌ها (ب) حکم ماده 594 اثباتی در خصوص آن دسته‌ای از شرکت‌های تجاری ایرانی است که به صورت

ب) حکم ماده 131 اثباتی در خصوص آن دسته‌ای از شرکت‌های تجاری ایرانی است که به صورت

وضع خورد را در ق. ت. 30-3 تطبیق نشانده و به ثبت رسیده بوده‌اند.

به اعتقاد ما، قانون نکنار با وضع ماده 594 ق. ت. سعی نمود تا هدف اولان از مجازات کردن مدت
شکنجه‌ی ضمانتی (که مسئولیت نسبی شرکت‌کار آن‌ها مورد قبول قطعی بوده) و شرکت‌های تعاونی که تا تاریخ تصویب ق.ت. ۱۳۱۱ به ثبت رسیده‌اند. جلوگیری کنند و ثانیاً مانع انحلالین دو نوع شرکت شود. این شرکت‌ها در صورتی که با اول ترخیص ۱۳۱۱ با رعایت مقررات ق.ت. ۱۳۱۱ تقصیفی ثبت شوند مصوب ۱۳۱۰ قانون این شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ قانون ملد حضور و کمکی دریافت جامعه و خدمات نظامی، مطالبات، قروض و وکیل شرکت‌های آن‌ها به دستان‌های شرکت‌های تجاری تصویب نموده‌اند.

۱. نظر حقوق‌ها درباره مفهوم و قلمرو ماده ۲۰ ق.ت.

پس از تصویب قانون تشکیل شود نظر محرر قانون ماده ۲۰ ق.ت. در حال حاضر به موجود ماده ۵۸۹ ق.ت. ۱۳۱۱ یکی از حقوق‌ها درباره مفهوم و قلمرو ماده ۲۰ ق.ت. در حال حاضر مصوب ۱۳۱۰ قانون این شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰ قانون ملد حضور و کمکی دریافت جامعه و خدمات نظامی، مطالبات، قروض و وکیل شرکت‌های آن‌ها به دستان‌های شرکت‌های تجاری تصویب نموده‌اند.

۱. نظر حقوق‌ها درباره مفهوم و قلمرو ماده ۲۰ ق.ت.
نوع اول - شرکت عمومی: یکی دو نفر سرمایه‌دار خود را در اختیار یک، یا چند شریک دیگر می‌گذارند و در آخر هر سال سوده با نسبت [سرمایه‌داری خود از منافع حاصل در یک ماه] برداشت، بلع قراردادی که بین شرکت تنظیم می‌شود صورت قرارداد وام دارد. زیرا اگر با شرکت‌های اسکناس نشان‌دهنده سهام را به ترتیب نرساند، در محاکم پذیرفته‌نخواهد شد. بنابراین، اصولاً یکندونه شرکت‌ها تابع اصول شرکت‌های تجارتی نیستند و تابع نوع قراردادی باشد که بین شرکت تنظیم شده است. به این دلیل در بعضی موارد آنها را شرکت خصوصی می‌نامند.

نوع دوم - شرکت در انجام معاملات تجاری: چند نفر با هم تحت نام تجارت خانه معامله می‌کنند.

بدون اینکه رسمای شرکت به ثبت رسندند. این نوع شرکت در صورت پیدا می‌کند:

Société به معاملات تجاری اشتغال می‌ورزند. این شرکت‌ها را که به فرانسه می‌نامند، با شرکت‌های عملی و نه حقوقی، و به هیچ وجه دارای شخصیت حقوقی نیستند. de Fait قانون ایران به سرمایه می‌نشانند، ولی برای حفظ منافع اشخاصی که با هر شرکتی عوارضی آورده می‌شوند، طبق ماده ۲۲۴ ت. شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شخصیت حقوقی تضمینی در مورد آنها اجرا می‌شود. بنابراین، شرکت‌های ثبت نشده که با اشتغال به امور تجاری، طبق ماده ۲ ت. تاجر محسوب می‌شوند. شرکت تضامنی محسوب شده و کلیه شرکت‌ها از دارایی شخصی حقوقی محسوب می‌شوند.

تهیه‌های شرکت‌های این نوع شرکت‌ها تنظیم شده باشد یا خیر.

صورت دوم: تعهد مشترک: در این صورت دو شرکت ثبت شده دو داو تاج را یک نفر و یک شرکت تجاری تعهد می‌کنند با مشترک با مشترک باربیکار معین یا کارهای معینی را انجام دهند. در این قبیل موارد، نامیده می‌شوند. طرفین [مثلاً یک شرکت ثبت شده ایرانی یک Joint Venture که در اصطلاح اروپایی که جزئی از خارجی] به موجب قراردادی که یکیدنگ مرکزی می‌کنند، انجام آن را امکان می‌پذیرد. به این نوع شرکت‌ها [مشترک‌ها] هرکمک از طرفین شخصیت حقوقی خود را حفظ می‌کند، ولی به موجب قرارداد، سازمان مستقل برای انجام دادن امکان‌ها امکان که به ترتیب مشترک‌های نامیده می‌شود تعیین می‌کنند.

۲- آقای دکتر سید محمود کاشانی در مورد شخصیت حقوقی در شرکت‌های مدنی اظهار می‌دارد (۱۸۷۳ ماده ۲۵۸۵ ت. در این مورد می‌گوید:

کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند. از ماده می‌بیند گاهی چنین نتیجه‌گیری می‌شود که شرکت‌های مدنی، فرد شخصیت حقوقی اند و اموال شرکت، ملك مشاع کلیه شرکت‌ها. این نتیجه‌گیری قابل بحث است. سیاست‌های از شرکت‌های مدنی می‌توانند تجارتی اشتغال موزوند و بر همین اساس، ماده ۲۲۴ ت. این قبیل شرکت‌های مدنی را در حکم شرکت‌های تابعی دانسته است. می‌دانیم که شرکت تضامنی یکی از شرکت‌های مذکور در قانون تجاری است. ۲- آقای دکتر ناصر کانویان در مورد مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۵ ت. می‌نویسد :
پژوهش‌های آماده‌سازی کسب‌وک.button(عوامل اصلی اعضا) باید در این‌جایی مورد توجه قرار گیرد.

ماه ماه ۲۳ برای اجبار شرکت‌کننده رعایت یکی از صورت‌های اجرایی شرکت‌های در قانون و تطبیق

ضریبان اجرایی محدودیت از این تکنیک است و نباید انتخاب‌های پیشگیری دهم. بنابراین، شرکت‌ها که به کار تجاری مرکزی با محاسبات در رابطه بین شرکت‌ها و در درون خود تاکید قواعد ساخته و ارائه تمایل به اشخاص ثالث در حمل‌ونقل تضامنی است. پیشنهاد می‌کنند:

۴-۷ آقای دکتر ناصر کاتوزیان اظهار داشتند که ممکن است نسبت به مفهوم قانونی خود مهور.

۴-۷ آقای دکتر ناصر کاتوزیان اظهار داشتند که ممکن است نسبت به مفهوم قانونی خود مهور.

۴-۷ آقای دکتر ناصر کاتوزیان اظهار داشتند که ممکن است نسبت به مفهوم قانونی خود مهور.

۴-۷ آقای دکتر ناصر کاتوزیان اظهار داشتند که ممکن است نسبت به مفهوم قانونی خود مهور.
اتجاه آنان را تابع احکام شرکت تضمینی می‌کند و در واقع به ماده‌ای که خود ایجاد کرده‌اند صورت خارجی می‌دهد. ولی در فرض شرکت متنه، که بین برد تفاوت شرکا مالکیت متفاوتی متعاقب و کدام باقی است، قواعد شرکت تضمینی قابل اجرا نمی‌رسد. لازم به اجرای قواعد شرکت تضمینی شناسایی شخصیت [شخص] حقوقی و وکالات مالکیت شرکا به موجودی است که برخلاف ترازیک مبنای تشکیل اتحاد آنان است؛ چرا که شرکا خواسته‌اند تا مالکیت حقوقی مهیک از آن‌ها‌ی که هست محفوظ بماند و بوسیله تمام‌دانگان مالکان اداره شود، در حالی که شناسایی شخصیت [شخص] حقوقی

بمنزله سبل این مالکیت حاصل است.

۳ تجزیه و تحلیل مفهوم و قلمرو ماده ۲۲۰ ق. ث: نظر مورد اختیار

۱-۳ با توجه به موارد ۱ و ۲ قانون بیان شده، مصوبه ۱۳۵۵، منظور قانون‌گذاری از عبارت «شرکت ایرانی که مالکیت و حاصل از میراث در صدر ماده ۲۲۰ ق. ث.»، همان شرکت‌های تجاری سهامی، ضمانی‌ها، مختار و تعاونی (احصاء دارید در ق. ث.۱۳۵۵) است.

۲-۳ شرکت ایرانی موجود در زمان تصویب قانون ۱۳۱۲ که پس از آن‌ها اجرا شده این قانون به امور تجاری اشتغال ورودی است در صورتی مشمول ماده ۲۲۰ ق. ث. می‌شود که اول‌اً خود را به صورت پیک از شرکتهای مشترک در این قانون در نپایل و هم‌اکنون مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل نکرده باشد.

با توجه به نحوه بیان حکم ماده یاد شده، برای اینکه شرکت تجاری متخلّف محسوب و مشمول ماده مرقوم شود باید مرکب در دو تخلّف مشترکه مشترک باشد. بنابراین، هر که شرکت ایرانی مورد بحث خود را به صورت پیک از شرکتهای مشترک در ق. ث. ۱۳۱۲ درآورد باشد، وی مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل نکرده باشد نمی‌توان این شرکت را مشمول ماده ۲۲۰ ق. ث. دانست. زیرا، این شرکت مقررات قانونی مربوط به تشکیل پیک از شرکتهای تجاری را رعایت کرده و خود را به صورت آن شرکت درآورد است. در این صورت، هر عاملی از شرکت باید شده که با مقررات قانونی آن شرکت منطبق باشد، بنا به دلایلی که بعداً خواهد بود، اصولاً باطل است و هر ذی‌شیوع می‌تواند بطلان آن عمل و (و) شرکت را از دادگاه بخواهد.

۳-۳ همانطور که در بند ۱-۷ توضیح نادیده گرفته در ق. ث. ۱۳۵۵، به شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری چهار کارکنان مذکور در این قانون تصمیم نشده بود. قانون‌گذاری شخصیت حقوقی را برای آن‌ها یک تفییه‌ی متفاوت بود، نتیجه‌ی شرکتهای ایرانی مشمول ماده ۱ و ۲ قانون بیان شرکتهای (۱۳۱۲) و به تبع آن شرکتهای ایرانی مشمول قسمت اول ماده ۲۲۰ ق. ث. شرکتهای بوده و مستند که شخصیت حقوقی نداشته و دارند.

به همراه اشاره شده در بند ۱-۷ مذکور در گردید. با تحلیل فوق، معنی‌گذاری که منظور قانون‌گذاری از نظرم‌های اشاره شده در بند ۱-۷ مذکور بطرک گردید. با تحلیل فوق، معنی‌گذاری که منظور قانون‌گذاری از
شرکت ایرانی مذکور در ماده ۲۲۹ ق. ت. شرکتی است که اساساً دارایی شخصی حقوقی است. به
بیان دیگر، شرکتی «ایرانی» محسوب می‌شود که شخصیت حقوقی داشته باشد و شخصیت حقوقی تلقی
شد تا لحاظ علیه و منطقی و صف «ایرانی» برای آن قابلیت کاربرد داشته باشد. نمونه‌ای شرکتها
تجاری که اشخاص حقوقی تلقی شده و می‌شوند مسائل ماده ۲۲۰ ق. ت. بوده و هستند و نه اینکه
شرکت بدون شخصیت حقوقی متخلق تلقی و مسائل ماده ۲۲۰ ق. ت. شوید و سپس به عنوان شرکت
پذیرفته و یا شخصیت حقوقی مسدود.

شرکتها تجارتی مذکور در ق. ت. ۲۰۲۳،۱۳۱۰ و ق. ت. ۱۳۱۱ شرکتهای جهانی و هستند که اشخاص
آنها را به قصد تجزیه دارایی خود استفاده از منصوب شخصی حقوقی ایجاد و شخصی حقوقی و انتقال
بخشی از دارایی خود به این شخص حقوقی (شرکت تجاری) ترکیب داده با می‌دهند.

باندراز، مسلم‌نظر قانون‌گذاری از اصطلاح «شرکت ایرانی» مندرج در ماده ۲ قانون ثبت شرکت‌ها (۱۳۱۶) و
ماده ۲۰ ق. ت. شرکت‌های تجاری مذکور در قانون تجارت است که همکار شخصی حقوقی و
استقلال مالی و اداری دارند. اصطلاح مذکور، خاص قانون تجارت است که اطلاعی و عمومی آن تنها در
قسمت حقوقی تجارت قابل تفسیر است و فقط شامل شرکت‌های تجاری احصا شده در قانون تجارت است
و بنابراین مدیری که شرکت در تشکیل آن قصد تجزیه دارایی خود استفاده از منصوب شخصی حقوقی
و ایجاد حقوقی را ندارد (دارایی مشارکت مادی مالکیت مشاه شرکت قرار دارد) و در حال
عمر از اینکه به امور تجاری یا امور غیر تجاری اشتغال داشته باشد مسئول مقررات حقوقی مدنی
است.

آقای دکتر محمد حسین جعفری لنگرودی نیز اصطلاح «شرکت ایرانی» را به [حقوقی] تجارت
اختصاص داده است (۱۳۷۳)

بنابر تحلیل و دلایل فوق این گفت احکام قانون ثبت شرکتها پیش‌بینی شده است که عمروت از این
شرکتها ایرانی و حوزه‌های ایرانی از جمله تأسیس و تشکیل و تأمین و نصب قواعد قانون تجارت
ایران ممکن است.

این بدان، نظر مرا تأیید می‌کند.

آقای دکتر محمد حسین جعفری لنگرودی نیز اصطلاح «شرکت ایرانی» را به [حقوقی] تجارت
اختصاص داده است (۱۳۷۳)
مقدمه و قلمرو ماده ۲۳۷ قانون تجارت ۱۳۱۱

تابع اصول و مقررات حقوقی مدنی این ماده در حقوق ایران، موارد زیر مجدداً تأکید نگاری شده است:

الف) قانون مدنی ایران برای شرکتشای مدنی شخصی حقوقی قابل نشده است.

ب) غالب قبیل به اتفاق نوسنگان حقوق مدنی ایران برای شرکتشای مدنی شخصی حقوقی قابل نشده است.

شده‌اند.

ج) مقررات مالیاتی بر درآمد شرکتشای مدنی (اعم از اختیارات یا قبیل) در بیشتر ماده ۳۸۹ بی‌ترتیب در ماده ۱۶۰ مالیاتی اجلاس ملی توسعه تکلیف سایر شرکت‌ها خواهد بود و بیشتر زاده (اصلاحی سال ۷۱ ماده ۱۰۱ از فعل چهارم (مالیات بر دارد مشاغل) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۲۶۸/۱۲۶۷/۲۷۸۳ پیش‌بینی شده است، در حالی که مالیات بر درآمد اشراف حقوقی (از جمله شرکتشای تجاری) تابع مقررات فعل پنجم (مالیات بر درآمده اشخاص حقوقی) قانون مذکور است.

بدین ترتیب، طبق قانون ملی ایران، شرکتهای شرکت مدنی -اعم از اینکه به امر تجاری یا غیرتجاری استغال ورزند - نظیر شرکت‌ای شرکت نسبی (در قانون تجاری) نسبت به دیوان شرکت مدنی دارای سلولیتی نسبی است. 

شایان ذکر است که بررسی اصول حاکم بر شرکت مدنی -که به امور تجاری استغال دارد- مباني فقهی و حقوقی آن خارج از بحث این مقاله است.

به موارد، با تصویب ماده ۲۸۴ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مصوب ۱۳۷۷، اصلاح مصوب ۱۳۷۵/۱۳۷۶/۱۳۷۵، مقرر داشته: «شرکت‌های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید انتخاب کنند از تاریخ اجرای این قانون به صورت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عامل درآمد و وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند یا به‌نویض دیگری از انواع شرکت‌های تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردبیل‌شهر ماده ۱۳۱۱ تبدیل شوند ولی منحل مصوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انتقال مشمول قانون تجارت مصوب اردبیل‌شهر ماده ۱۳۱۱ خواهند بود» قانون‌گذار دیگه جدیدی را نسبت به دیگر قانون‌گذار سال ۱۳۱۱ ارائه داده است. از آنجا که موضوعات مورد حکم در موارد ۲۸۸ و ۲۸۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مصوب ۱۳۷۷، مقرراً متشابه است، از مقایسه احكام مقرر در این موارد در می‌یابیم که قانون‌گذار ۱۳۷۷ با توجه ضوابط اجرای این قانون برای شرکت‌های سهامی مختلط، از وضع سنگین‌تر مسئولیت بینی مسئولیت تاسیساتی برای مالیاتی شرکت‌ها به تکلیف مقرر در ماده ۲۸۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۷۷ قانون‌گذار ۱۳۷۷ صفر یا بیشتر را به‌سوی وضعی که به‌صرفه‌ی مالیاتی شرکت‌ها اجرای این قانون بیشتر به‌سوی وضعی که به‌صرفه‌ی مالیاتی شرکت‌ها منتفی یاده است. 

از آنجا که دیگر قانون‌گذار سال ۱۳۷۷ منتفی به‌نظر می‌رسد، بیشتر به‌سوی وضعی که به‌صرفه‌ی مالیاتی شرکت‌ها اجرای این قانون بیشتر به‌سوی وضعی که به‌صرفه‌ی مالیاتی شرکت‌ها منتفی یاده است.
تجارت و تدوین کننده‌اند آن قرار گیرد.

۲-۳ از مقایسه احکام موارد ۵۴۲ و ۵۵۶ ق. ت. در می‌یابیم که ماده ۶۹۶ مربوط به شرکت‌های ایرانی موجود در زمان تصویب ق. ت. ۱۳۱۱ (یعنی شرکت‌های سهامی، ضمانی، مخلوط، خودسازی) است. که تا تاریخ تصویب این قانون به ثبت نرسیده بودند و ماده ۲۶۵ مختصاً راجع به شرکت‌های چهارگانه فوق است که در تاریخ مذکور به ثبت رسیده بودند. زیرا، در ماده ۲۶۵ ق. ت. همیشه اشاره به عدم ثبت این شرکت‌ها نشده است. باعثه جمع بین احکام این موارد نیز تفسیر می‌آید. ما را ایجاب می‌کند. در غیر اینصورت، بین احکام آنها تعارض پیش خواهد آمد. با این تعریف می‌توان گفت که شرکت‌های سهامی، ضمانی، مخلوط، و تعاونی ثبت شده موجود در زمان تصویب ق. ت. ۱۳۱۱ که خود را به صورت یک از شرکت‌های مذکور در این قانون در نیازهای مالی و مالی و مقررات مربوط به آن عمل نکرده باشند، مشمول حکم ماده ۲۶۵ ق. ت. شدند. بنابراین، قانونگذار از تاریخ اول خرداد ۱۳۱۲ (یعنی تاریخ لزوم الاجرا) ماده ۲۶۵ ق. ت. ضمانت اجرای مسؤول داشته می‌شود که برای اینکه شرکت‌های موجود ثبت شده مقررات نموده است؛ یعنی چنین شرکت ضمانتی را شرکت ضمانتی محسوب کرد و احاکم راجع به شرکت‌های ضمانتی را به مورد آن الاجرا داشته است. در حالتی که شرکت‌هایی که از حکم مذکور در ماده ۵۶۵ خلاف کرده باشند مشمول حکم ماده ۲ قانون ثبت شرکت‌ها (۱۳۱۰) شدند.

۱-۵ مقررات حاکم بر شرکت‌های تجاری اصولاً به دست‌آمده با ضمانت اجرایی متغیر: الاف) مقررات حاکم بر تشکیل شرکت‌های تجاری: پارهای از مقررات قانون تجاری (۱۳۱۱)، نظیر مواد ۲۶، ۲۸، ۲۴۷ و ۲۵۱ سابق ق. ت. (به استثنای ماده ۲۸ سابق ق. ت. راجع به تشکیل شرکت‌های سهامی، مواد ۲۸، ۹۷، ۶، ۳۷ و ۳۲ ق. ت. به استثنای ماده ۲۸ ق. ت.) در ضرورت تشکیل شرکت‌های با مسئولیت محدود و مواد ۲۸، ۲۸، ۲۷ و ۲۵ سابق ق. ت. در ضرورت شرکت‌های مخلوط سهامی (به استثنای ماده ۲۷ و ۲۵ سابق ق. ت.) به تشکیل شرکت‌های تجاری اختصاص دارد و ضمانت اجرای مقررات مذکور بر اساس التوک بطنان شرکت است که در ماده ۵۶۵ ق. ت. ۲۸ و ۲۵۷ ق. ت. به تشکیل شرکت‌های تجاری اصولاً به دست‌آمده با ضمانت اجرایی متغیر.

بنابراین، پس از لزوم الاجرا شد، ق. ت. ۱۳۱۲، هر شرکت تجاری که خروجی مقررات مربوط به تشکیل آن، تشکیل شده یا به‌صورت اساساً باطل و از درجه اعتبار ساقط است و شرکت ایرانی محسوب نمی‌شود و ضمانت اجرای این مقررات در پارهای از موارد قانون تجاری (۱۳۱۱) و لایه قانونی اصلاح قسمتی از ق. ت. ۱۳۲۷ پیش بینی شده است. مسئولیت ضمانتی مسئولان این بطنان ضمانت اجرای اینکه مقررات مصوب (که برخلاف مواد ۹۴ و ۹۷ آن قانون تشکیل شده) صادر شود. شرکا و مدیران شرکت توسط خداوند ناشی از این بطنان مسئولیت مسئول خواهند بود (ماده ۱۰۱ ق. ت.) در صورتی که خواهند بود که پس از لزوم الاجرا شد، ق. ت. ۱۳۱۲، هر شرکت تجاری که خروجی مقررات مربوط به تشکیل آن، تشکیل شده یا به‌صورت اساساً باطل و از درجه اعتبار ساقط است و شرکت ایرانی محسوب نمی‌شود و ضمانت اجرای این مقررات در پارهای از موارد قانون تجاری (۱۳۱۱) و لایه قانونی اصلاح قسمتی از ق. ت. ۱۳۲۷ پیش بینی شده است. مسئولیت ضمانتی مسئولان این بطنان ضمانت اجرای اینکه مقررات مصوب (که برخلاف مواد ۹۴ و ۹۷ آن قانون تشکیل شده) صادر شود. شرکا و مدیران شرکت توسط خداوند ناشی از این بطنان مسئولیت مسئول خواهند بود (ماده ۱۰۱ ق. ت.) در صورتی که خواهند بود
نوبتم و قلم سیاه، ۱۳۱۱ قانون تجارت

ثانیاً در صورت عدم رعایت مواد ۴۶ و ۴۷ ق. ت. اصولاً شرکتی تشکیل نمی‌شود تا اگر مصوب قسمت اول ماده ۲۰ ق. ت. ذکر می‌گردد: «هر شرکت ایرانی که...» در آن تشکیل شود. شرکت تضمینی محسوب شده و... واقع شود. گاهی آگاه حکم بطلان شرکت به استناد ماده ۱۰ ق. ت. صادر شود. این شرکت اساساً مشمول مقررات تصفیه امور شرکت‌ها می‌شود و باید برای تصفیه امور آن یک یا چند نفر به عنوان مدیر تصفیه تعیین شود.

در تاپیدر این نظر می‌توان به ماده ۲۷۰ ل. ا. ق. ت. مصوب ۱۳۷۷ که ضمانت اجرا رعایت «مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی» را بطلان شرکت داشته است و همچنین ماده ۲۷۲ این لابه قانونی اشاره کرد که به مرحله آن دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می‌کند، باید ضمن حکم خود یکی یا چند نفر را به عنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات لایحه قانونی یاد شده (یخش نهم انحلال و انتصاب) انجام وظیفه نمایند.

با تحلیل فوق می‌توان کفت که نظر آقای دکتر حسن ستوهد تهرانی منبی بر اینکه... بنا بر این در مورد عدم رعایت مواد ۴۶ و ۴۷ اصولاً شرکتی وجود ندارد که انحلال آن اعلام گردد و همچنین شرکتی اگر مبدد به عملیات (تجاری) نماید، مانند شرکتی تضمینی عملياً تلقی شده و طبق ماده ۲۰ ق. ت. شرکت تضمینی محسوب گردیده و احکام مربوط به شرکتی تضمینی در مورد آن اجرا می‌گردد.» (۵) نهایاً خلاف فصلی وضع ماده ۲۴۲ ق. ت. و معاصر هدف قانونگذار ۱۳۱۱ است. ثانیاً آگاه بسیار بطلان شرکت انحلال آن - طبق ماده ۲ قانون ثبت شرکت‌ها - اساساً منتفی است، دلیلی وجود ندارد که آن را مشمول ماده ۲۴۲ ق. ت. بدانن.

در نتیجه، به نظر ما شرکتی باطل و فاقع اعتبار و شرکتی عملی به هیچ وجه مشمول حکم ماده ۲۴۲ ق. ت. نیستند.

در حال حاضر، در نظام حقیقی کنونی، به توجه به احکام مذکور در مواد ۲۷۰ و ۲۷۲ ل. ا. ق. ت. مقرر می‌گردد: در صورت صدور حکم قطعی بر بطالان شرکت، کنسان که مسئول بطالانی متصدی‌مانند حال ضروری شده است و ۲۷۲ ل. ا. ق. ت. شرکت‌های سهامی عامل و خاص از شمول حکم ماده ۲۴۲ ق. ت. خارج شده‌اند. با وضع احکام ممنوعی در مواد یاد شده، دیگر اجرا حکم ماده ۲۴۲ ق. ت. نسبت به شرکت‌های سهامی (عام و خاص) متفکر موردی ندارد.

(۱) مقررات حاکم بر عملیات شرکت‌های تجاری

(۲) مقررات حاکم بر تصمیمات شرکت‌های تجاری

ضمانت اجرای دوره‌های اخیر اصولاً بطلان عمليات شرکت و تصمیماتی است که هر یک ارکان شرکت می‌گردد. در ماده ۸۳ (سابق) ق. ت. و ماده ۲۷۰ ل. ا. ق. ت. بطلان آن دو دسته از مقررات حاکم بر عملیات و تصمیمات شرکت‌های تجاری مقرر شده است.

۳- پس از لازم‌الاجرا سند در ماده ۱۳۱۱ حرکت تجاری که با رعایت مقررات حاکم بر تشکیل
آن‌های شرح مذکور در قسمت (ألف) بند ۳ بعلاوه تشکیل شده‌یا به شورت شرکت ایرانی تلقی شده و الزاماً به صورت یکی از شرکتهای هفتگاه مذکور در ماده ۲۰ ق. ت. ۱۳۱۱ درآمده است و به حکم ماده ۲۰۰ ق. ت. نخواهد بود. زیرا، همان گونه که در بند ۳ ملاحظه شد، برای شهرک این ماده بر شهرک مذکور و گذشته‌هایی نسبت‌های مستندی و مشروح کننده مسئولیت‌ها، معین مستندی و تضحیم، تکلیف مشخص می‌شود. در شرح لازم است: یکی از شرکتهای هفتگاه مذکور در ماده ۲۳ ق. ت. ضمانت اجرای واگیر مقررات مربوط به مالکان در نیازهای بانک با دیگر این شرکت اجرای مقررات مربوط به این شهرک عمل نکرد باشد. به نظر مایه مالکهای مقررات قانونی مالکان عملاً با تصمیماتی که هر یک از اگرگان شهرک کرده، با این شهرک و این مالک مورد شرکت و اجرای نشده یا نشده، در نطق می‌توانسته یا می‌تواند با استفاده به وارد مالک ماده ۲۳ (سابق) ق. ت. حسب مورد به بلند عملاً با تصمیماتی مذکور را با داگاه قضاوت نموده به بنیادی.

تشکیل شرکت به طبق ماده ۳۷۰ ل. ا. ق. ضمانت اجرای واگیر مقررات مربوط به عملاً و تصمیمات شرکتهای سهامی عام و خاص بانک عملاً و تصمیمات مذکور است. بنابراین از تاریخ لازم اجرای شدن لایحه قانونی مذکور و حضور مالک استفاده به وارد ماده ۳۸ (سابق) ق. ت. ممکن استفاده به وارد مالک استفاده بوده است.

نکاردها بنا به دلایل مذکور در بالا مدعی است که عبارت «هر شرکت ایرانی که در آن‌های تشکیل شده مذکور در صدر ماده ۲۰ ق. ت. مصداق خارجی ندارد. در خصوص علت درج عبارت باب شده و اثر آن می‌توان گفت:»

از آن‌ها که در قانون ثبت شرکت‌ها، مصوب ۱۳۳۱، نماینده‌ی شرکت‌های تجاری یکی از تصویب این قانون به پرداخته و بدون رعایت ق. ت. ۱۳۰۳ تشکیل شده و مطالب قانون ثبت شرکت‌های (۱۳۱۳) تشکیلند. ضمانت اجرای پیش‌بینی نشده بود. به نظر مایه می‌رسد که قانون‌گذار ۱۳۱۱ خواسته در ماده ۲۳۰ ق. ت. نقض را جبران نماید، ولی با توجه به تحمل فوق و وضع احکام مذکور در ماده ۳۸ (سابق) ق. ت. در رسیدن به این هدف توقف نیافته است.

۲- اگر شرکتی به صورت یکی از انواع هفتگاه‌های شرکت‌های تجاری مذکور در ماده ۲۰ ق. ت. تشکیل شود و به امور تجاری استغلال ورزد، لیکن طبق مقررات مربوط نشست به ثبت خود اقدام نکند از نظر عدم رعایت این تکلیف قانونی، مشمول حکم ماده ۱۹۵ ق. ت. از تابع منعقد مقررات قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۱. از جمله مقررات ماده ۲ آن همچنین ماده ۱۸۸ ق. ت. خواهد بود، به مشمول ماده ۲۰ ق. ت. بنابراین شرکت‌های تجاری که طبق مقررات ق. ت. ۱۳۱۱ تشکیل شده‌اند، مورد توجه به ثبت نرسیده‌اند و موجب ماده ۲۸ ق. ت. نبود. حال اگر این‌گونه شرکت‌های تجاری که طبق مقررات ق. ت. ۱۳۱۱ تشکیل شده‌اند، به ثبت نرسیده‌اند، مطلب استفاده آقای دکتر حسن سیستانی مصدول.
مفهوم و قلمهر مراده ۲۲۰ قانون تجاری

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.

۲۲۰ ق. ماده و شرکت تجاری محسوب شوید/ در ان صورت تمامی شرکت‌های تجاری ثبت نشده شرکت تجاری محسوب شوید/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود/ در هر صورت تمامی شرکت‌های ثبت نشده را محسوب می‌شود.
رباطه حكم ماده ۲۲۰ ق.ت. و شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد با توجه به تحلیل که از مفهوم و قلمرو ۲۲۰ ق.ت. به بر حضور مذکور در بین ۲ اراط شد و به دلائل زیر، شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد خارج از مفهوم ماده مذکور است:

۴. پیشنهاد تاریخی حکم موانئ و موانع ۵۹۶ و ۶۲۷ ق.ت. به شرح مذکور در مقدمه به بهمن سال ۱۲۳۳ که قسمت اول ق.ت. ۴۴۳ شمار ۱۳۱ ماده تصویب رسیده بدرکر، در حالی که اولین مقدمات قانون مدتی مرا به ویژه شرکت در سال ۱۲۳۷ به تصویب رسیده است. از این رو، حکم ماده ۶۲۷ به پیشنهاد تاریخی یاد شده، منصرف آن شرکت مدنی است، حتی اگر این شرکت به امور تجاری اشتغال داشته باشد.

۵. تدوین قانون موانئ مدیت آن در هنگ یکی از موارد قانون مدنی ۳۳۶۰ ق.ت. به عقیده به نام شرکت اشاره نکرده‌اند. بلکه به چاگستگ که موانئ خود شرکت را تعیین کرده‌اند و به این طریق مشکل است بدستاح است قانون موانئ مزبور، یک اظهار عقیده‌ای نمود بر اینکه عقد مستقل شرکتی وجود است که ایجاب و قبول به وسیله الفاظ دال بر معنای مشترک منعقد می‌گردد بدون اینکه اطراف عقد موجب به مزج سهم شرکت خود باشند» (۴) بنابراین به این دلیل هم ماده ۲۲۰ ق.ت. نمی‌تواند ناظر به شرکت مدنی باشد.

۶. دکتر سید حسن امامی، در بیان خصوصیات شرکت عقیده (شرکت مدنی) بدون اینکه امور شرکت مدنی را به امور تجاری و امور غیر تجاری (مدلی) تفکیک نماید و بدون ذکری از ماده ۲۲۰ ق.ت. می‌نویسد: شرکت مدنی دارای شخصیت حقوقی، خاص از شخصیت افراد شرکا که قبلاً نیاز دارا بودند تا باشند و آنان مشاع ما و مشترکه معذرت همکاری برنامه‌ی باشند و دو هزینه بسوی معذرت می‌بایست، عمليات تجاری انجام گردد و در آن شرکت مدنی شوند، دو هزینه به طرفی تریکا آن‌ها می‌گردد... در صورتی که شرکا با میان که بیان می‌گردد می‌بایست با دو هزینه شخصی حقوقی خودشان، به پایه تاریخی یاد شده، می‌ورزد شرکت می‌پردازد همان است که در بین ۲-۴ که به دادگاه همیشه اصلی است که به این دلیل هم می‌ورزد تا بیان کند.

۷. دکتر محمد تحریری در این باره می‌نویسد، شرکتهای مدنی بطور کلی فاقد شخصیت حقوقی هستند و طرز اداره کردن اموال شرکت باید شرایط مقرر بین شرکا خواهد بود (ماده ۵۷۵ م. ق.) «۷/۹».

عدم تعقیب نیویسندگان به ماده ۲۲۰ ق.ت. در خصوص شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد، قریب‌های اینکه موضع می‌گیرد به این دلیل، که این موضع را قانون می‌پردازد، همان است که در بین ۲-۴ که به دادگاه همیشه اصلی است که به این دلیل هم می‌ورزد تا بیان کند.
۳-۴ همانطور که در بندنامه ۱-۳۳-۲ و ۳-۳ همین مقاله بیان شد شرکتهای ایرانی مذکور در ماده ۲۳۷ ق. ت. و یکدیگر شخصی حقوقی بی سروک و حسانته، اما شرکت مدنی در حالی فاقد شخصیت حقوقی است. در بند ۳-۲ همین مقاله توضیح داده می‌شود که آن شرکت مدنی به امور تجارت اشتغالی است و مالکیت مشمول ماده ۲۳۷ ق. ت. در کرد باید «شرکت ایرانی» تلقی شود. در حالی که از نظر حقوقی نمی‌توان صفت «ایرانی» را برای آن - به دلیل نبود شخصیت حقوقی - به کار برد. در غیر اینصورت، باید استفاده صفت ایرانی برای تمام عقود مذکور در قانون مدنی، نظری مضارعه بیان و... کاربرد ترکیب مضارعه ایرانی، بی‌ایرانی و... صحیح باشد. در حالی که مالکیت حقوقی یک انتقال به حفظ قانون‌های این نظری نداده و از چنین ترکیب استفاده نکرده‌اند.

ملاحظه اگر شرکت مدنی - که به امور تجارتی اشتغال دارد - مشمول ماده ۲۳۷ ق. ت. باشد (یعنی در حکم شرکت تجاری) حقوقی بی سروک و حسانته ترقیه می‌پذیرد. در این صورت، الگو عقیده به نام مضارعه وجود نخواهد داشت. به نظر می‌رسد این تعریب بخلاف موازات شرعی و مقررات قانون مدنی ایران است.

آقای دکتر ناصر کاظمیان که معتقد است... اگر شرکت مدنی بر مبنای اطلاعات تشریح نشود و غفلت معقولی خود را انجام دهد، آن شرکت تجاری است/۲۷ و مشمول ماده ۲۳۷ ق. ت. و واحده شخصی حقوقی /۷/ با اینکه حقوقی ماندند، قانونی شرکت و مالکیت از شرکت اصلی در حالی که بیشترین شرکت در قانون تجاری (به مقدار مالکیت ۷۹/۷۵ درصد) و در این باره می‌نویسد: «با وجود این، باید دانست که بر طبق ماده ۲۲۷ قانون تجاری، مالک و مضارع در برابر طبقاتی مستقلیت تجاری دارند. ترکیبی که عامل و مالک در پرداخت دیوان و تعیین سود معین کردند، در رابطه بین آنان محترم است. ولی آگاهی که سرمایه و سود کنفی بدهی شرکت را ندهد، مالکیت مستقلیت تجاری دارد و طبقاتی می‌تواند به دارایی شخصی ایشان نیز مالکیت کنند (بخش آخرین ماده ۱۶۶ همان قانون)/۷/ بدان ترتیب حقوقدان باید در صورت رابطه حقوقی مضارعه و مالکیت ۲۳۰ ق. ت. نظری داشته که به نظر ایشان در خصوص شرکت مدنی که شغل معقولی خود را پرداختن به «ادامه تجاری» قرار داده سازگار است و نه با مقررات قانون مدنی در برابر حقوقی مضارعه. شایان ذکر است که چون شرکت مدنی فاقد شخصیت حقوقی است، انتساب «شغال» به اینکه حرفه شرکت را تأیید است. برخلاف نظر نویسندگان مشخص بود که شرکت مدنی (که به امور تجارتی اشتغال دارد) و عامل و مالک در این صورت حقوقی مالکیت اعلام می‌کردند (در حق مضارعه) را در صورت تعریف مالکیت مشمول ماده ۲۳۰ ق. ت. دانسته است، معتقدی که مالکیت یکه پاد شده خارج از قانون ماده ۲۳۰ ق. ت. است و این ماده ارتقایی به مالکیت مشمول قانون مدنی ندارد. ۵-۴ اگر حکم مذکور در ماده ۲۳۰ ق. ت. یعنی «شرکت تجاری» مصادف دیدن مالکیت متنقل مادر عقد از شرکت ایرانی دارد (که به امور تجاری اشتغال می‌دارد) بدانم با پاییدن متهم شویم که اصطلاح «شرکت ایرانی» مذکور در این ماده علاوه بر اینکه شامل شرکتهای
تجاری احصا شده در قانون تجاری است. شامل مکتی «شرکت مدنی» است. این اعضا از اینکه به امور تجاری

یا غیر تجاری پرداخته و باید تفاوت که اگر شرکت مدنی به امور تجاری پردازد، مسئول حکم ماده

۲۸ ت. به شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال می‌یابد، تسهیل مفهوم است. اصطلاح «شرکت ایرانی» به شرکت‌های تجاری، شرکت مدنی که به امور تجاری اشتغال دارد، و شرکت مدنی که به امور غیر تجاری اشتغال می‌یابد خواهد بود. به اصطلاح «شرکت ایرانی» شامل انواع شرکت‌های تجاری و شرکت‌های مدنی است. ولی حکم ماده ۲۴ ت. فقط شامل شرکت‌های تجاری که به امور تجاری اشتغال می‌یابند و شرکت‌های مدنی که به کار تجاری می‌پردازند خواهد بود. در نتیجه، شرکت‌های تجاری (که به امور تجاری اشتغال می‌یابند) و شرکت‌های مدنی (که به امور غیرتجاری

اشتغال می‌یابند) کرچه‌ای از مصداصی «شرکت ایرانی» اند. اما لحاظ حکم مشمول حکم ماده ۲۴ ت. نخواهند بود.

نتیجه‌گیری اخیر آن است که مقاله ماده ۱ و ۱۱ قانون ثبت شرکت‌ها (۱۳۱۲) و ماده ۲۵ نظارت موقت

قانون مذکور که ثبت مکتی «شرکت ایرانی» را الزامی داشته است. ثبت مکتی شرکت مدنی نیز الزامی

است. در حالی که هیچ یک از حقوق‌ها نمی‌تواند به این حکم خاصی بگذارد، در نتیجه، شرکت‌های تجاری (که به امور تجاری اشتغال می‌یابند) و شرکت‌های مدنی (که به امور غیرتجاری

اشتغال می‌یابند) کرچه‌ای از مصداصی «شرکت ایرانی» اند. اما لحاظ حکم مشمول حکم ماده ۲۴ ت. نخواهند بود.

شایان ذکر است که پیش از تصویب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از ق. ت. ۱۳۴۷، شرکت‌های تجاری

اساساً برای اشتغال به امور تجاری تشکیل می‌شودند. بنابراین، منظور ما از عبارت شرکت‌های تجاری

(که به امور تجاری اشتغال می‌یابند) آن دسته از شرکت‌های تجاری اند که برای امور تجاری

تشکیل می‌شوند ولی هیچ کونه عمل تجاری انجام نمی‌دهند و در این صورت مشمول حکم ماده ۲۴ ت. نمی‌شنوند.

در مقام رعایت مصالح و دفع مقدمات، تمی‌توان به گروهی از مالکان که حقوق خویش را در هم

آمیخته‌اند [میاندن شرکای شرکت مدنی] بدون دخالت قانون‌گذار، شخصیت حقوقی اعطای کرده و شرکت

را از مالکیت خصوصی محروم ساخت /۲۷/ یکی از حقوق‌ها (که به امور تجاری اشتغال می‌یابند) می‌دانند /۷/ در

حالی که چنین اینکه به امور تجاری، قانون ماده ۲۴ ت. ارائه داده که، همه مالکیت را به

یکی می‌دهند. قانون‌گذار در اعطا شخصیت حقوقی به شرکت مورد بحث نمی‌دانم. چرا که اول‌اً

قصد قانون‌گذار می‌نیم بر این دلیل که احراز نکرده‌ایم، ثانیاً به دلیل اینکه قانون به طور صریح اشاره

به اعطا شخصیت حقوقی به شرکت مذکور نکرده است، بسادگی نمی‌توان با فرض شخصیت حقوقی

برای اینکه شرکت‌ها شرکت‌های آن را از مالکیت خصوصی محروم ساخت و «اصطحاب احتمالی

خصوصی اشخاص» را نادیده گرفت.
قانون ماده 220

دانشجویان، به دلیل مذکر شرکت مدی (که به امور تجاری اشتغال می‌ورزد) از قلمرو ماده 220 ت. خارج است. اگر چنین نتیجه به حال خود اگرنشین و نتها اراده مالکان شرکت بر آن حکومت کند، برخلاف کفتن برخی از حقوق قانون 277 در کار تجاری و حکمت قواعد حاکم بر شرکت‌های تجاری خلی جوارن شود.

چنان‌چه حقوق مدنی، حاوی تمام مقررات لازم اجرا در این باب نیست و قانون مدنی در زمینه عقد شرکت که یک از عقود معین محسوب می‌شود متضمن نقاط مبتدی است و پاسخگوی روابط اجتماعی کنونی نیست /8/ یا اگر معتقد که اینگونه شرکت‌ها به شیوه مدنی و بدون سازمان‌های منظم اداری تشکل شده‌اند و لیکن به کار تجاری می‌پردازند/9/ باید کوشش کنیم از طریق تفسیر و با استفاده از سایر قوانین و مبانی فقهی و بالاخره با پیشنهاد وضع مقررات جدید ابهامات موجود را برطرف کنیم، بهنهاده مشارکت در نظام فقهی و نظام حقوقی کانونی (نظریه شرکت مدنی با خصوصیت مورد بهبود و مضربه) «سازمان منظم اداری» به‌دیوی و موارد سکوت قانون مدنی در این باب شرکت مدنی، مضربه و در این کنیم تا مجبور بشویم به این حل‌های متولی شویم که در حقوق ایران خلاف اصل است و اجرای این راه حل‌ها مستلزم حکم قانون‌گذار است. مستنداتی تضامن‌می‌کنیم که می‌تواند در ماده 220 لغت‌های جنگی است و در حق حقوق مدنی ایران، به‌دین در حقوق تجاری ایران می‌باشد (به‌استناد ماده 34 ق.) خلاف اصل است. در مورد مفهوم و قلمرو ماده 220 لغت‌های جنگی است و در حق حقوق مدنی ایران می‌باشد (به‌استناد ماده 34 ق.) خلاف اصل است. در مورد مفهوم و قلمرو ماده 220 لغت‌های جنگی است و در حق حقوق مدنی ایران می‌باشد (به‌استناد ماده 34 ق.) خلاف اصل است. در مورد مفهوم و قلمرو ماده 220 لغت‌های جنگی است و در حق حقوق مدنی ایران می‌باشد (به‌استناد ماده 34 ق.) خلاف اصل است. در مورد مفهوم و قلمرو ماده 220 لغت‌های جنگی است و در حق حقوق مدنی ایران می‌باشد (به‌استناد ماده‌های بندی و موارد سکوت قانون مدنی در این باب شرکت مدنی، مضربه و در این کنیم تا مجبور بشویم به این حل‌های متولی شویم که در حقوق ایران خلاف اصل است و اجرای این راه حل‌ها مستلزم حکم قانون‌گذار است. مستنداتی تضامن‌می‌کنیم که می‌تواند در ماده 220 لغت‌های جنگی است و در حق حقوق مدنی ایران، به‌دین در حقوق تجاری ایران می‌باشد (به‌استناد ماده 34 ق.) خلاف اصل است. در مورد مفهوم و قلمرو ماده 220 لغت‌های جنگی است و در حق حقوق مدنی ایران می‌باشد (به‌استناد ماده 34 ق.) خلاف اصل است. در مورد مفهوم و قلمرو ماده 220 لغت‌های جنگی است و در حق حقوق مدنی ایران می‌باشد (به‌استناد ماده 34 ق.) خلاف اصل است. در مورد مفهوم و قلمرو ماده 220 لغت‌های جنگی است و در حق حقوق مدنی ایران می‌باشد (به‌استناد ماده 34 ق.) خلاف اصل است. در مورد مفهوم و قلمرو ماده 220 لغت‌های جنگی است و در حق حقوق مدنی ایران می‌باشد (به‌استناد ماده 34 ق.) خلاف اصل است. در مورد مفهوم و قلمرو ماده 220 لغت‌های جنگی است و در حق حقوق مدنی ایران می‌باشد (به‌استناد ماده 34 ق.) خلاف اصل است. در مورد مفهوم و قلمرو ماده 220 لغت‌های جنگی است و در حقوق‌های جنگی نیست و در حوزه تابعیت و مقررات خاص از اصل مربوط به مطلب مشارکت مدنی است. از آنجا که پیش اصول مستندای تضامنی و مستندای تضامنی، کلیه شرکا مستند پرداخت تمامی دیون ناشی از کار تجاری ایران (با تفاوت در میزان مستندای مربوط به فکر یک شرکا) به نظر می‌رسد که در چنین شرکت مدنی (اختیار در مرز مربوط به امکان اشتغالی وارد) مشمول ماده 220 ق. ت. نیست. مستندای تضامنی شرکت‌های تنظیم یک نسبت به دیوی شرکت تا حدودی منافع اشخاصی را که به چنین شرکت‌هایی وارد معاونه می‌شوند، تأمين می‌کند. 4-3 در نظام حقوقی کانونی، مشارکت مدنی و عقد مضاربه در جامعه پوره در نظام بالاکناری
دورة 3، شماره 1، بهار 1379
۳. هم رابطه بین شرکت‌های شرکت مدنی در درون خود و هم رابطه آنها با اشخاص ثالث تابع قواعد اشاعه و احکام مدنی است. به‌یاد دیگر، رابطه شرکت‌های شرکت مدنی با اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی مذکور در ماده ۷۲۰ ق. ت. نیست و ماده ۷۲۱ ق. ت. نیز، برای این مسائل مورد حکم مذکور در ماده ۷۲۰ ق. ت. می‌باشد. بنابراین، اول، مسئولیت تضامنی اشخاص حتی در قانون تجارت خلاف اصل است (مواد ۲۴ و ۲۴ و برای اجرا آن احتیاج به نص است و در موارد ترکیبی جاری نیست. ثانیاً، اگر غرض قانونگذاری آنطور که اعلا شده (۷۲۱ ق. ت. نیز) ضامن، در این شرکت مدنی (که به امور تجاری اشتغال دارد) باشد، بدین‌گونه که این شرکت در حکم شرکت مسئول تلقی می‌گردد و شرکت مدنی در حکم تضامنی، ثالثاً، بخش اخیر ماده ۷۲۱ ق. ت. خاص ضامنی داشته باشد و شرکت مدنی در حکم تضامنی، ثالثاً، بخش اخیر ماده ۷۲۱ ق. ت. خاص ضامنی داشته باشد، به‌ویژه قانون‌های تجاری تجارت تکمیلی و وجه شخصیت حقوقی شده است. برای حمایت از حقوق اشخاص ثالثی که طرف عملهای این نوع شرکت واقع می‌شوند، قانون‌گذار مانع شده است که شرکت‌های بنیاد با قراری که به خودشان می‌گذراند مسئولیت تضامنی خود را در مقابل اشخاص ثالث لازم نمایند.

۴. با توجه به قانون عملیاتبانکی بدون ربا (پی‌کر) مصوب ۹۸/۸ تری و آینه‌نامه وصل سوم آن که مقررات آن در باب مشارکت در مقررات قانون مدنی منطبق به نظر می‌رسد، شرکت مدنی (که به امور تجاری اشتغال می‌رود) مسئولیت حقوقی مدیان ایران است و از شمول ماده ۷۲۰ ق. ت. خارج است.

۵. برخلاف نظر نبرانی حاکی از حقوق قانونی نماینده نیز مسئولیت ماده ۷۲۰ ق. ت. نیست.

۶. برخلاف آنچه ادعای شده است، شرکتهای بی‌نام‌نشده (آن جمله شرکتهای عاملی) مسئولیت ماده ۷۲۰ ق. ت. نیستند.

۷. عبارت "هر شرکت ایرانی که در آنیه تکمیلی شود" مذکور در صدر ماده ۷۲۰ ق. ت. مصادق خارجی مدار. همان طور که در بند ۲ مهی‌نمای مقاله ملاحظه شد، قانونگذار ۱۳۱۴ از درج این عبارت هدف داشته که در رسانه به آن توقف نیافته است.

در هر حال، در بالاگردی قانون تجارت فلول ماده جایگزین ماده ۲۲۰ ق. ت. باید به نحوی تنظیم گردد که پاسخگوی سؤالات فعلی و برطرف کندی به نیازهای باشند و ضمانی اجرایی مدینی و احتمالاً کیفی و از روی کلیه شرکتهای تجاری متغیر تنشی می‌شود. به‌ویژه قانون تجاری تجارتی و اجرایی شفاهی می‌شود. به‌ویژه قانون تجاری تجارتی مورد تحقیق شده است. بنابراین، که در آینده تصویب خواهد شد. به‌ویژه مورد، در اینجا می‌تواند باید شرکت‌های تجاری تجارتی پیشنهاد می‌شود. ماده ۲، در آنجا می‌تواند با این قانون باید ظرف ۲ سال از تاریخ مذکور خود را به صورت بیک از شرکت‌های تجاری احساس خود در این قانون درآورند و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت کنند. در غیر این صورت، منحل شده محسوب خواهند شد و از لاحق مقررات اجلاس مشمول نخواهند بود. این قانون خواهند بود. تا هنگامی که شرکت‌های تجاری موجود در تاریخ لازم اجرایشند این قانون ظرف ۳ سال خود را به
تصویر یکی از شرکت‌های تجاری احسا شده در این قانون در نیازهای و مطالب مقررات مربوط به آن شرکت عمل کرده‌اند. این مقررات قانون تجاری ۱۳۱۱، لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۲۴، سایر قوانین و همچنین اساسنامه معتبر خود خواهند بود.

توجه: وضعیت شرکت تجاری با مقررات این قانون و فذق محقیق می‌شود که مرجع ثبت شرکت‌ها تجاری پس از اجرای صحت تطبيق، مرتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی کرده باشد. به استثنای هزینه آگهی اجرای این ماده، در صورت عدم افزایش سرمایه، شرکت ملزم به پرداخت آگهی دیگری نیست. و در صورت افزایش سرمایه هزینه‌های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه می‌شود.

ماده ۲: در مواردی که برابری تطبيق وضعیت شرکت تجاری موجود (موضوع ماده بالا) با مقررات این قانون، دوخت مجمع عمومی عادی یا فوقالعاده شرکت‌های تجاری با تسليم استاد و مدارک خاصی به مرجع ثبت شرکت‌های تجاری لازم باشد و رئیس و اعضای هیات مدیره شرکت‌های سهامی و یا مدیر یا مراجع سابرسی شرکت‌های تجاری به دوخت مجمع عمادی یا فوقالعاده شرکت‌ها یا تسليم آن استاد و مدارک به مرجع ثبت شرکت‌های تجاری اقدام نکند، به جزئی تقدیم از... تا... محروم خواهند شد و علاوه بر این، متضامناً مسئول جراین خساراتی این که بث این اعمال شرکت‌های سهامی و اعضای ثالث وارد می‌شود.

ماده ۴: مراجع ثبت شرکت‌های تجاری در شهرستان موجود است طرف ۲ سال از تاریخ انتخاب مدت مذکور تقاضای صدور حکم انحلال شرکت مختلف و حکم مجازات‌یا مدیران مختلف را از دادگاه صالح بنماید. 

ماده ۳: دادگاهی که حکم انحلال شرکت مختلف را صادر می‌کند، این ضمن حکم خواهد یافت که تفاوت را به عنوان مدیر تصمیم تعیین کند تا طبق مقررات نسبت به انحلال و تصویب امور شرکت اقدام کند.

تبریک: تعبیر حقوق睫毛 مدیر یا مدیران تصمیم‌های که دادگاه تعیین می‌کند به عهده‌دارگان است.

ماده ۵: کلیه معاملات و تصمیمات شرکت تجاری مختلف پس از تاریخ‌های مدیر ۳ سال مکری، باطل و از درجه اعتبار سالم است (حتی توسط اشخاص ثالث) و مدیر یا مدیران که پس از انقضای مهلت مذکور در ماده ۱ مبادرت به معامله‌ای اتخاذ تصمیم کرده‌اند، علاوه بر مجازات مکری در ماده ۱، به ماده ۱ سال حبس تعزیزی محروم خواهند شد.

تبریک: هر چیزی باشد بطالان معاملات و تصمیمات فوق را از دادگاه تعیین کند.

تبریک: در صورت حکم قطعی بر بطالان معاملات و تصمیمات شرکت، دادگاه صادر مختصات حکم بدهی باید در شهرستان صدور حکم محكومیت مصرف با مدیران مختلف اقدام کند.

منابع

1. اعظمی زنجانی، عبدالحسین، حقوق بازرگانی، ج ۳، ۱۲۵۳، ص ۳۰۱-۲۰۰، ۲۰۰۵-۲، ۲۰۰۵-۲، ۲۰۰۵-۲، ۲۰۰۵-۲، ۲۰۰۵-۲
2. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۳، ۲۰۰۵-۲، ۲۰۰۵-۲، ۲۰۰۵-۲، ۲۰۰۵-۲، ۲۰۰۵-۲، ۲۰۰۵-۲، ۲۰۰۵-۲، ۲۰۰۵-۲
مفهوم و فلمندی ماده ۲۲۰ قانون تجارت ۱۳۱۱

[8] کاشانی، سید محمود، شرکت‌های مدنی، نشره دانشگاه حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ج.۲ دوره، دوم، سال ۱۳۶۵، ص.۲۴۲ و ۴۴:۱۸۹.
[9] نظامی، محمد، حقوق بین‌الملل خصوصی، ج.۱ و ۲ (ویرایش دوم) انتشارات آگاه، ۱۳۷۳، ص.۱۳۵.